

کلاس پرونده:	۹۷۰۱۷۶۳	شماره دادنامه:	۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۲۵
موضوع:	ابطال اساسنامه صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارمندان صنعت نفت به شماره ثبت ۳۵۷۲۰ مصوب هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران	تاریخ تصویب:	۱۳۹۸/۰۵/۲۲
شاکی:	جلیل سالاری شهربابکی	امضا کننده:	محمد کاظم بهرامی (رئیس دیوان)
درخواست دهنده:		نتیجه رای:	ابطال شد
طرف شکایت:	شرکت ملی نفت ایران		

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره دادنامه:

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۰۵/۲۲

شماره پرونده: ۱۷۶۳۰۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای جلیل سالاری شهربابکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال اساسنامه صندوقهای بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت مصوب ۱۳۹۳/۰۹/۲۵ صنعت نفت گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال اساسنامه صندوقهای بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت مصوب ۱۳۹۳/۰۹/۲۵ صنعت نفت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً به استحضار می رساند نظر به اینکه در تاریخچه صندوق اشاره شده که در سال ۱۳۲۶ ایجاد گردیده است ولی مستند قانونی که نص صریح قانون باشد مشاهده نگردید و عنوان می شود که صندوقها در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران در سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۵۶ در بند م ماده ۳۵ مورد تصریح و شناسایی قرار گرفته است که آورده است: « نگهداری و به کار انداختن و بهره برداری از وجوه بازنشستگی و پس انداز کارمندان صنعت نفت با رعایت کامل منافع و مصالح آنها وجوه بازنشستگی و پس انداز کارمندان صنعت نفت که به هیأت مدیره سپرده شده جزو دارایی و وجوه شرکت نمی باشد. با این وجود هیأت مدیره شرکت نسبت به این وجوه در حکم امین محسوب می شود و هیأت مدیره مکلف به گزارش سالانه اقدامات مربوط به وجوه بازنشستگی به مجمع عمومی می باشد که حکایت از عدم ایجاد شخصیت حقوقی مستقل است. کلیه وظایفی که در فوق اذعان گردیده است موید و مثبت نص صریح و قانون جواز تاسیس صندوق نیست و صرفاً گویای وظیفه ای برای اعضای هیأت مدیره است و تا سال ۱۳۷۷ عملاً صندوقها به نوعی زیر نظر مدیر اداری شرکت ملی نفت بوده است (ابلاغ مصوبه ۲۰۷۴۱-۱۱۸۵۲۰۱-۱۳۷۷/۱۱۲۶-۱۳۷۷) که در ماده ۱۰ مصوبه مذکور به صراحت بیان داشته است که مدیر اداری شرکت ملی نفت ایران ریاست هیأت مدیره صندوق را عهده دار است و در ماده ۳۳ نیز تصریح دارد که دفاتر مالی صندوق به روش جاری شرکت ملی نفت ایران تنظیم شود. همچنین در ماده ۳۴ مقرر شده است که در موارد پیش بینی نشده در این مصوبه بر اساس مقررات شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد شد.

همان گونه که مشاهده می شود اساساً صندوقها همچنان در سال ۱۳۷۷ نیز بر اساس مصوبه مذکور فاقد شخصیت حقوقی مستقل بوده و تحت مدیریت شرکت ملی نفت ایران اداره می شود. در سال ۱۳۸۹ در خصوص شمول نظارت و بازرسی سازمان بازرسی کل کشور بر صندوقها و شرکتهای تحت پوشش، استعلامی صورت می گیرد که نظریه یاد شده نیز به صراحت به دولتی بودن صندوق اشاره داشته و دستگاه های نظارتی می باید بر عملکرد آن نظارت داشته باشند (اصل ۱۷۴ قانون اساسی) (نظریه کمیسیون حقوقی مجلس به شماره ۴۰۴-۸۹۶۴۴۴-الف-۱۳۸۹/۱۲۵). علی ایحال در سال ۱۳۹۱ با تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برای اولین بار در ماده ۱۴ به این صندوقها اشاره و عنوان شده که باید اساسنامه آنها برابر مقررات به تصویب مراجع ذیصلاح برسد. ظاهر امر نشان می دهد در زمان تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت نظر برخی نمایندگان مجلس بر تجمیع این صندوق با سایر صندوقها بود (تکلیف دولت در ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مبنی بر تصویب اساسنامه های تامین اجتماعی، خدمات درمانی و صندوق بازنشستگی کشوری و تجمیع آنها به استناد ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری) ولی به جهت خاص بودن شرایط و مقررات حاکم بر این صندوق، مقنن بر عدم تجمیع اصرار نمود ولی اساسنامه مذکور در مجلس و یا هیأت و زیران محل مناقشه بوده که نهایتاً به عبارت (به تصویب مراجع ذیصلاح) بسنده نمود.

در آذر ماه ۱۳۹۳ برای اولین بار و پس از قریب هفتاد سال، بدون مجوز و مستند قانونی هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران در غیاب سایر شرکتهای اصلی تابعه وزارت نفت (ذینفعان در شرکتهای ملی پالایش و پخش، شرکت ملی گاز، شرکت ملی صنایع پتروشیمی) خود را مرجع تهیه و تصویب اساسنامه قرار می دهد تهیه اساسنامه ای که در ماده ۱ به صراحت به غیردولتی بودن صندوق تاکید شده است (ماده ۱ اساسنامه) این در حالیست که موسسین هیچ سمتی از طرف ذینفعان و مالکان مشاعی صندوق ندارند و بدین وسیله نگارندگان قریب به ششصد هزار میلیارد ریال را از اموال و داراییهای هفتاد ساله شاغلین و بازنشستگان را غیردولتی نشان داده و از اختیار دولت و دستگاه های نظارتی خارج می نمایند. این در حالیست که در بند ۱۳ ماده ۳۳ اساسنامه سال ۱۳۹۵ شرکت ملی نفت تاکید شده است که تهیه و تدوین کلیه ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، بازنشستگی شرکت توسط هیأت مدیره تهیه و به مجمع عمومی جهت انجام تشریفات قانونی مطابق مواد ۱۰ و ۱۴ قانون وظایف و اختیارات ارائه می گردد. لذا به کیفیت مزبور ملاحظه می فرمایند حال چگونه است که عده ای خود را صالح به تهیه و تدوین مقررات دانسته و صرفاً هیأت مدیره شرکت ملی نفت را بدون مستند قانونی مرجع تصویب اساسنامه قلمداد و به راحتی حقوق سه شرکت اصلی تابعه وزارت نفت را نادیده و کنار می گذارند و حتی مفاد این اساسنامه خود خوانده به صورت شتابزده که شک شبهه در ثبت شرکتهای به ثبت رسیده رعایت نشده است چرا که در اساسنامه تصریح شده که چهار نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل جمعیاً پنج نفر از اعضا باید از کارمندان ارشد شرکتهای اصلی تابعه وزارت نفت باشند و در حال حاضر طی هماهنگی با سازمان بازرسی کل کشور، سازمان مزبور حضور شاغلین را به استناد اساسنامه (غیرقانونی که آن را غیر دولتی منظور نموده) در صندوقها ممنوع اعلام کرده است. این در حالیست که نمی توان غیردولتی بودن صندوقها به اساسنامه استناد نمود لیکن مواد اساسنامه را در ترکیب هیأت امناء نقض نمود. از طرفی به موجب قانون تعیین تصویب و یا اصلاح و تغییر اساسنامه شرکتهای و موسسات تابعه وزارتخانه ها که طبق مجوزهای قانونی ایجاد شده و یا می شوند با کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی و در هر مورد به پیشنهاد وزارت ذیربط و تایید